

جایگاه علمی خراسانیان در مراکز و محافل علمی بغداد در سده‌های

سوم و چهارم قمری*

محمد حاجی تقی^۱

چکیده

حضور خراسانیان در تشکیل خلافت عباسی، باعث شد تا حضور آنان در تشکیلات و ساختار سیاسی و فرهنگی جهان اسلام نیز نمود بیشتری پیدا کند. محافل علمی بغداد از جمله مراکزی به شمار می‌روند که خراسانیان حضور پررنگی در آنها داشتند. بسترهای مناسب و انگیزه‌های گوناگون برای حضور آنان در بغداد، جایگاه برتری و تفوق را در جوامع علمی بغداد به خراسانیان داده بود. خراسانیان در سطوح عالی این مراکز و محافل به تعلیم و تعلم می‌پرداختند و استقبال و پذیرش جوامع علمی و افکار عمومی از ایشان قابل تأمل است. در این مقاله بر اساس روش تحلیلی - توصیفی در تحقیق تاریخی با در نظر داشتن شاخص‌های آموزشی، تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ گفته شود که خراسانیان در مراکز و محافل علمی بغداد در سده‌های سوم و چهارم قمری (۹ و ۱۰ م) که دوره اعتلای علمی - تمدنی جهان اسلام بود، چه جایگاهی داشتند؟ دستاوردهای این تحقیق نشان می‌دهد که خراسانیان هدایت‌کننده و حتی بانی جریان‌های فکری، علمی و مذهبی بوده‌اند. وازگان کلیدی: علمای خراسان، بغداد، مجالس علمی، مساجد، بیت‌الحکمه.

The scientific position of the Khorasanis in Baghdad's scientific circles during the 9th and the 10th A. C

Mohammad Haji Taghi²

Abstract

The presence of the Khorasanis in the establishment of the Abbasids led to the more vivid presence of them in the political and cultural positions of the Islamic world. The Khorasanis' presence was more notable in the scientific circles of Baghdad. Their supreme position in the scientific circles of Baghdad was due to the suitable grounds and various motivations for their presence there. The Khorasanis educate in these centers. During their leadership of the scientific movements in Baghdad, they were highly received both by the scientific circles and the public. Using the descriptive-analytic approach in historical research and presupposing teaching and acquisition scales, this essay aims at answering the question concerning the position of the Khorasanis in Baghdad's scientific circles during the 9th and 10th A. C which is known as the glorious epoch of cultural-scientific progress in the Islamic world. The findings of this essay will show that the Khorasanis had been both founders and leaders of the intellectual, scientific, and religious movements.

Keywords: Keywords: Khorasan's sages (Ulama), Baghdad, scientific circles, mosques, Beyt-ol hikma

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی * تاریخ دریافت مقاله ۱۳۸۹/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۱۲/۲۰
2. Assistant Professor, Department of History, Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.,) Email: m-hajitaghi@sbu.ac.ir

مقدمه

فتوح اسلامی در خراسان، پدیده مهاجرت گسترده اعراب به این سرزمین را در پی داشت. تداوم فتوح در دوره اموی، دوری از مرکز خلافت، شرایط مناسب اقلیمی، ثروت و منابع بی کران زمینه‌های این کوچ گسترده بود. به تدریج اعراب مسلمان با بومیان خراسان به هم آمیختند و در فرهنگ بومی مستحیل شدند. جاحظ با دریافتی ظریف، در این باره می‌نویسد: «در تمام این ارباع بین مردمان منزل گزیده و مردمان بومی تفاوتی دیده نمی‌شود و محبت وطن شامل تمامی مردمان آن می‌شود.»^۳ این مهاجران که صحابه پیامبر نیز در بین آنان بودند، به انگیزه جهاد و تبلیغ دین در خراسان مأوا گزیدند. اما با گذشت زمان و در پیوند با عناصر بومی، بستر شکل‌گیری کانون‌های علمی خراسان را فراهم کردند. نقش برجسته سیاسی خراسان در تحولات سیاسی قرون یکم و دوم قمری، خاصه پدیداری خلافت عباسی و نیز شکل‌گیری دولت‌های محلی طاهریان و سامانیان نشان از اهمیت و نفوذ فزاینده و مؤثر این سرزمین در فرهنگ و تمدن اسلامی داشت.

جایگاه سیاسی اهالی خراسان به ویژه در عصر اول عباسی به عنوان ابناءالدوله، این ولایت بزرگ را از گرایش‌های علمی خلافت و اجتماع اسلامی که به عصر طلایی تمدن اسلامی شهرت یافت، متأثر کرد و شکل‌گیری کانون‌های فعال علمی در خراسان را سبب شد. شعاع تأثیر این تحول، پهنه وسیع تمدن اسلامی را دربرگرفت و خراسان و خراسانیان را به عنوان بانیان و شارحان علوم اسلامی در جهان اسلام شناساند که انعکاس این جایگاه در منابع اسلامی مشهود است. ارزیابی شعبی از وضعیت علمی عصر خود او را به این داوری سوق داده‌است که «گویی علم به خراسان منتقل شده است.»^۴ مقدسی رونق علم فقه و دیگر علوم در این دیار را با «شدت ایشان در فقه و تمیز علمی»^۵ نشان می‌دهد. تداوم جایگاه علمی خراسان حتی تا قرن هفتم قمری در گفتار یاقوت از شهرت علمی خراسانیان بازتاب دارد که: «اما علم، خراسانیان تک‌سواران و سروران و بزرگان آن هستند.»^۶

در این میان نباید از نقش حکومت‌های طاهری و سامانی در رونق علمی خراسان غافل شد، به

۳. أبوعثمان عمرو بن بحر الجاحظ، *رسائل الجاحظ* (مصر، مطبعة التقدم، ۱۳۲۴ق)، ص ۳۹. آمیختگی فرهنگی در خراسان دوسویه بوده است. مقدسی خراسان را به رسوم و اقلیم عرب نزدیک‌ترین می‌داند، نک: محمد بن احمد البشاری المقدسی، *أحسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* (لیدن: مطبعة بریل، ۱۹۰۶م)، ص ۲۹۵-۲۹۴.

۴. ابن‌الفقیه، *مختصر کتاب البلدان* (لیدن: مطبعة بریل، ۱۳۰۲ق)، ص ۳۱۴.

۵. المقدسی، ص ۲۹۴.

۶. شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت الحموی، *معجم البلدان* (تهران: مکتبه الأُسدی، ۱۸۶۶-۱۸۷۰م)، ج ۲، ص ۳۵۰.

خصوص اقدامات عبدالله بن طاهر که سعی داشت نیشابور را همچون بغداد به کانون علمی در شرق تبدیل کند. تأسیس کتابخانه به تقلید از دارالحکمه بغداد و جلب عالمان و تشویق و تأمین عالمان خراسانی و مدعوین بغداد از جمله اقدامات وی در این راستا بود. عبدالله و دیگر امرای آل طاهر خود در شمار ادبای نام‌آور عرب بوده‌اند و از مشوقان ادب عربی در سرزمین خراسان محسوب می‌شوند.^۷ دولت سامانی نیز در قرن چهارم در سایه اقتدار سیاسی خود، بخارا و نیشابور را به مراکز مهم علمی جهان اسلام تبدیل کرد. امرای سامانی از علم بهره‌مند بودند و در مجالست با عالمان و ادبا اصرار می‌ورزیدند و در اکرام ایشان مبالغه می‌کردند. وزرای آل سامان نیز شیوه‌ای چنین داشتند. خاصه که خود از اهل فضل و دانش بودند. این شرایط معمولاً در طبقه حکام محدود نمی‌ماند و به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» و یا فضای زمانه، دیگر قشرهای اجتماعی همچون قضات و اشراف و حتی خود علما نیز در تأمین شرایط علمی مشارکت می‌کردند.^۸ روابط سیاسی نزدیک طاهریان و سامانیان با خلافت، خراسان را که مقر عقلی و علمی ایرانیان بود، هر چه بیشتر به بغداد پیوند داد. این پیوند به ویژه در عرصه علمی عمیق و گسترده بود. به طوری که هسته علمی بغداد در آن دوره را خراسانیان شکل دادند، در تمامی علوم و دانش‌ها در بغداد پیشرو بودند و هدایت جریان‌های علمی را در دست داشتند. این تفوق در حضور پررنگ و گسترده خراسانیان در مراکز و محافل علمی بغداد عینیت می‌یافت.

سده‌های سوم و چهارم قمری با مهاجرت گسترده عالمان خراسانی به بغداد و اقتدار علمی ایشان روبه‌رو بود. بسترها و دلایل این مهاجرت از منظر تاریخی چه بود؟ بخشی از این پاسخ را بایستی در ماهیت شفاهی دانش در تمدن اسلامی جستجو کرد. طبیعی است که اصالت آموزش دیداری بر آموزش نوشتاری در این عصر ضرورت مسافرت برای درک محضر عالمان دیگر را ایجاد می‌کرد. این واقعیت به همراه توصیه‌هایی مؤکد در سنت اسلامی به ارزش سفر در کسب معرفت توجیه درونی این پدیده اجتماعی است. موقعیت بغداد در این رابطه به مثابه پایتخت فرهنگی جهان اسلام و حضور نخبگان علمی دانش‌های گوناگون در آن، بغداد را مقصود این مهاجرت‌ها قرار می‌داد. البته نبایستی از نقش خلفای عباسی که خود در علوم عصر خود دستی داشتند و مشوق علما بودند غفلت کرد. به ویژه که ایشان به خراسانیان نظری مساعد داشتند و در برکشیدن عالمان این دیار

۷. برای آگاهی بیشتر، نک: امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، ص ۲۰۴ به بعد.

۸. برای بحث تفصیلی در این باره، نک: محمدرضا ناجی، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان (تهران: مجمع علمی تمدن،

متعمد بودند. همینطور ظرفیت اقتصادی خوب شهر بغداد در پذیرش موج مهاجرت‌ها و تأمین توسعه شهری در تداوم این مهاجرت‌ها موثر بوده است.^۹

شرایط و انگیزه‌های حضور علمی خراسانیان در بغداد یکسان نبود. برخی از ایشان خانواده‌ای خراسانی داشتند که به بغداد مهاجرت کرده بودند لیکن خود در بغداد به دنیا آمده بودند.^{۱۰} برخی دیگر نیز خود به انگیزه علمی به بغداد کوچ کردند.^{۱۱} شماری دیگر در مسیر حج مدتی را در زمان رفت و مدتی را در مسیر برگشت در بغداد اقامت کردند و در این ایام به تعلیم و تعلم پرداخته‌اند.^{۱۲} گروهی از ایشان علاوه بر شخصیت علمی به شغل تجارت مشغول بودند و در آمدن به بغداد انگیزه تجاری یا نیز در کنار انگیزه علمی داشتند.^{۱۳} شماری از ایشان را خلیفه برای پذیرش مسئولیت‌های قضایی یا دیوانی به بغداد دعوت کرده بود.^{۱۴}

۹. برای آشنایی با مزایا و امتیازات بغداد، نک: ابن‌واضح یعقوبی، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶)، ص ۲۲.

۱۰. احمد بن حنبل، ابوعلی اشکاب، و آدم بن ابی‌ایاس مروزی از این دسته از خراسانیانند. به ترتیب نام، نک: ابن‌الجوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، ج ۷، تحقیق و تقدیم سهیل زکار (بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۵م)، ص ۴۸۸. محمد ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۷، تحقیق ریاض عبدالله عبدالهادی (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵م)، ص ۱۶۹. یوسف المزی، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، ج ۱، تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۸ق)، ص ۱۵۹.

۱۱. از ایشان ابوعبید قاسم بن سلام، بشر بن حارث حافی، رجا بن ابی‌رجاء مروزی، محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج، اسحاق بن راهویه، سلیمان بن معبد مروزی، ابواسحاق نیشابوری، ابویقوب یوسف بن حموک مروزی، ابوبکر نیشابوری، ابوالقاسم بلخی، ابوبکر قفال شاشی، ابوسهل صلحوی و ابوالحسن ماسرجسی را می‌توان نام برد. به ترتیب نام، نک: ابن سعد، ج ۷، ص ۱۶۶، ۱۷۱؛ ابن‌الجوزی، *المنتظم*، ج ۷، ص ۳۷، ۱۵۹؛ ج ۸، ص ۱۱۱، ۱۶۵؛ المزی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ الخطیب البغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۹، تصحیح سعید العرفی (بیروت: دار الکتاب العربی، بی‌تا)، ص ۵۱؛ عبدالکریم السمعانی، *الأنساب*، ج ۴، تقدیم محمد احمد خلاق (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۹م)، ص ۴۵۷، ۲۱۲.

۱۲. مکی بن ابراهیم بلخی، ابوعبدالله زاهد نیشابوری، محمد بن عبدالعزیز بن ابی‌زرمه، ابوعلی مروزی، ابوالعلاء مرورودی، ابوعبدالله بلخی، ابوسعید خراسانی بلخی، ابوالحسن علی بن محمد بلخی، ابومحمد عبدالله طالقانی، ابونصر کاتب مروزی، ابوالحسن محمد طوسی، ابوالحسن طاهر نیشابوری از این نمونه‌اند. برای آگاهی بیشتر، نک: ابن سعد، ج ۷، ص ۱۷۹. الخطیب البغدادی، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۱۸؛ ج ۵، ص ۲۹۰، ۱۲، ص ۶۷ و ۷۲؛ ج ۱۰، ص ۲۲، ج ۹، ص ۳۵۷. المزی، ج ۶، ص ۴۱۲. ابن‌الجوزی، *المنتظم*، ج ۷، ص ۱۲۸.

۱۳. عبدالله بن مبارک، ابوعمر یمامی خراسانی و ابوعلی تمیمی، ابونصر تمار قشیری، ابن‌عمروه نیشابوری، محمد بن سلیمان بن فارس دلال نیشابوری، احمد بن حسنویه تاجر نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن سخته مزکی نیشابوری، ابوسعید اسماعیل جرجانی خلیل، عبدالله بن عبدالله سرخسی از این گروه هستند برای آگاهی بیشتر درباره حیات علمی ایشان، نک: شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، *تذکره الحفاظ* ج ۱، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸م)، ص ۲۷۵، ۲۷۶. الخطیب البغدادی، ج ۱۳، ص ۱۷۱-۱۷۰؛ ج ۱۰، ص ۴۲۴؛ ج ۳، ص ۱۳۱؛ ج ۴، ص ۱۲۵؛ ج ۶، ص ۱۶۹. علی ابن الحسن ابن‌عساکر، *تهذیب تاریخ دمشق الکبیر*، ج ۳، تحقیق عبدالقادر بدران (بیروت: دار المیسرة، ۱۳۹۹ق)، ص ۱۵.

۱۴. از ایشان ابوحنیفه اسحاق بخاری، اباصلت هروی، یحیی بن اکثم مروزی و احمد بن طیب سرخسی، محمد بن ابی‌رجاء خراسانی، حسن بن موسی اشبیه، مسیب بن شریک، ابوالطیب حنظلی مروزی و عمر بن ابی‌عمر ازدی را می‌توان نام برد. برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: الخطیب البغدادی، ج ۶، ص ۳۲۷-۳۲۶؛ ج ۱۱، ص ۴۸-۴۶؛ ج ۱۴، ص ۱۹۱. شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت الحموی، *معجم‌الادباء*، ج ۳ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا)، ص ۹۸.

زمینه‌های مناسب این عصر برای تعامل بین خراسان و بغداد، بستر مناسب برای حضور گسترده و موثر خراسانیان در مراکز و محافل علمی بغداد را فراهم آورد که به تفوق علمی خراسانیان در آن شهر انجامید. با این نگاه حضور خراسانیان در این مراکز و محافل علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مراکز علمی بغداد

از جمله نهادها و مؤسسه‌هایی که در منابع این عصر به عنوان مراکز علمی بغداد از آنان نام برده شده‌است، می‌توان به مساجد، بیت‌الحکمه، خانه‌های علماء، بازارها و میدان‌های عمومی شهر بغداد اشاره کرد که جایگاه خراسانیان در این مراکز نمود عینی تفوق و اعتبار ایشان در علوم عصر خود بود. از جمله این مراکز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مسجد

مساجد در جهان اسلام از منظر کارکردی از مؤسسات اصلی نهاد آموزش بوده‌اند. این ویژگی آموزشی از صدر اسلام همسنگ کارکرد مذهبی مسجد بود و و این مکان در توسعهٔ تعلیم و تعلم تأثیر زیادی داشت. شهر بغداد را منابع از جهت فراوانی مساجد بی‌بدیل توصیف کرده‌اند. یعقوبی تعداد مساجد بغداد را در قرن سوم قمری سی هزار مسجد ذکر می‌کند^{۱۵} و خطیب بغدادی در اوایل قرن چهارم قمری می‌نویسد به ازای هر حمام پنج مسجد وجود دارد و در مجموع سیصد هزار مسجد برای بغداد ذکر می‌کند.^{۱۶} این روایات هر چند خالی از گزاف و مبالغه نیست، لیکن بر فراوانی مساجد در بغداد صحنه می‌گذارند. مساجد شهر بغداد غالباً به مثابه مؤسسات آموزشی ایفای نقش می‌کردند. حتی این مساجد در آموزش آداب مجالس علمی به ویژه آداب سماع پیشرو بوده‌اند. مقدسی اشاره می‌کند که حلقهٔ درسی امام احمد بن حنبل در جامع منصور به دو بخش تقسیم می‌شد. یکی حلقهٔ املاء و دیگری حلقهٔ آموزش آداب تعلم در مجالس علمی بود.^{۱۷} اولین مسجد بغداد مسجد جامع منصور بنام الذهب بود. این مسجد در دوره‌های مختلف به ویژه دورهٔ هارون الرشید و معتضد توسعه یافت و بزرگ‌ترین و معتبرترین مسجد بغداد شد^{۱۸} به طوری که

۱۵. یعقوبی، ص ۲۲.

۱۶. الخطیب البغدادی، ج ۱، ص ۱۱۷.

۱۷. ابو عبدالله محمد بن مفلح مقدسی الحنبلی، الآداب الشرعیة و المنح المرعیة، ج ۲ (بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۲م)،

ص ۱۳.

۱۸. اسماعیل بن عمر القرشی ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۱ (بیروت: مکتبة المعارف، ۱۴۰۸ق)، ص ۶۸.

جز عالمان پرآوازه در علوم اسلامی، کسی صلاحیت تدریس و اختصاص کرسی را نداشت. در سال ۱۹۵ هجری قمری تعداد حلقه‌های درسی این مسجد بالغ بر ۵۰ حلقه در یک زمان بود.^{۱۹} وضعیتی که بر اعتبار و اهمیت کارکرد آموزشی این مسجد دلالت دارد. در این حلقه‌ها علوم گوناگونی تدریس می‌شد. از جمله گزارش‌ها نشان می‌دهد که علومی چون قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، لغت، نحو و شعر در این حلقه‌ها تدریس می‌شدند.^{۲۰} احمد بن حنبل یکی از مدرسان شهیر این مسجد بود و مجالس املای حدیث وی در این مسجد پرآوازه شد. بسیاری از خراسانیان به شوق حضور در این مجلس حدیث به بغداد می‌آمدند. ابن حنبل در روزهای جمعه زیر گنبد الشعراء این مسجد به عبادت می‌پرداخت.^{۲۱} از دیگر فقیهان بنام خراسان ابواسحاق ابراهیم بن احمد مروزی در قرن چهارم قمری (وفات: ۳۴۰ق) است که در این مسجد صاحب حلقه درسی مهمی در مسائل فقهیه بود که در روزهای جمعه برگزار می‌شد.^{۲۲} او امام شافعیان عصر خود بود و ریاست شافعیان عراق بعد از ابن سربیح منحصر در او شد. آثار بسیار او و شهرتش در حفظ احادیث بسیار، مجلس درسی وی را از رونقی کم‌نظیر برخوردار کرده بود و خلقی عظیم از شاگردان را پرورانید. اقامت طولانی و اعتبار علمی وی در بغداد در نامگذاری محله‌ای در منطقه ربیع به نام محله مروزی منسوب به وی ماندگار شد.^{۲۳} از میان فقهای برجسته شافعی بغداد ابوالقاسم عبدالعزیز دارکی خراسانی (۳۷۵ - ۲۹۵ق) که از خراسان به بغداد آمد در جامع منصور حلقه درسی در افتاء و بیان آرای فقهی بر پا می‌کرد.^{۲۴} علاوه بر این وی در مسجد دعلج بن احمد سجزی در محله ربیع نیز حلقه افتاء و تدریس داشت.^{۲۵} او از بزرگان مذهب شافعی است. عامه شیوخ بغداد و شیوخ بلاد دیگر ساکن در بغداد از مجلس وی بهره می‌بردند. به طوری که تدریس در بغداد را منحصر به وی ذکر کرده‌اند. او در فقه

۱۹. الخطیب البغدادی، ج ۲، ص ۶۸.

۲۰. همان، ج ۶، ص ۱۱۲؛ ج ۱۱، ص ۴۰۸-۳۴۷؛ القفطی، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۲ (القاهرة: مطبعة دار الکتب المصریة، ۱۹۵۵م)، ص ۶۳.

۲۱. عبدالرحمن بن علی ابن الجوزی، *مناقب الامام أحمد بن حنبل* (بیروت: دار الجیل الجدید، ۱۳۹۳هـ / ۱۹۷۳م)، ص ۱۹۰-۱۸۹.

۲۲. احمد ابن ابی بکر ابن خلکان، *وفیات الاعیان و أنباء أبناء الزمان*، ج ۱، تحقیق احسان عباس (بیروت: دار صادر، ۱۹۷۷م)، ص ۲۷-۲۶.

۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۶-۲۷. عبدالحمی بن محمد ابن العماد الحنبلی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۲ (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا)، ص ۳۵۶-۳۵۵.

۲۴. ابن الجوزی، *المنتظم*، ج ۸، ص ۱۲۹.

۲۵. السبکی، *طبقات الشافعیة الکبری*، ج ۳، تحقیق محمد الحلو و آخرون (بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، بی تا)، ص ۳۳۱.

شافعی نوآوری داشته‌است و فتاوی‌اش خاص خود اوست. اهل حدیث او را متهم به اعتزال کرده‌اند.^{۲۶} مجالس حدیث و املائی ابوالحسن علی بن عمر ختلی بلخی (وفات: ۳۸۶ ق) از ثقات بغداد^{۲۷} در این جامع نیز از اعتبار و رونق برخوردار بود.^{۲۸}

مسجد جامع رصافه نیز که توسط مهدی در سال ۱۵۹ قمری بنیان نهاده شد از دیگر مراکز علمی و آموزشی بغداد بود که خراسانیان در آن حضور فعال و مؤثر داشتند.^{۲۹} علاوه بر کثرت حضور دانش‌پژوهان در این مسجد، ویژگی دیگر این مسجد برپایی مجالس جدل و مناقشه با اهل بدعت بود. همچنین حلقه‌های شعر نیز در این مسجد به مانند مسجد جامع منصور برپا می‌شد.^{۳۰} ابوالفضل عباس بن محمد بلخی (زنده به سال ۳۲۱ ق) از جمله علمای خراسانی بود که در این مسجد مجالس حدیثی برپا می‌کرد.^{۳۱}

از مساجد پرآوازه بغداد که کانون تصوف نیز به شمار می‌آمد، می‌توان به مسجد شونیزیه اشاره کرد. صوفی مشهور ابومحمد عبدالله مرتعش نیشابوری (وفات: ۳۲۸ ق) که تذکره‌نویس‌ها از وی به عنوان اعجوبه متصوفه بغداد نام برده‌اند، تا هنگام مرگ در این مسجد به وعظ و ارشاد مریدان مشغول بود.^{۳۲}

بیت‌الحکمه

بیت‌الحکمه بغداد به‌عنوان پیش‌برنده نهضت ترجمه در دوره تکوین علمی و فرهنگی تمدن اسلامی، از دیگر مؤسسات آموزشی است که خراسانیان در آن فعال بودند. خوارزمی (وفات: ۳۳۲ ق) از مشهورترین آنان بود که مأمون مقام مشرفی بیت‌الحکمه را به او داده بود.^{۳۳} نویافته‌های

۲۶. ابوبکر بن هدایه‌الله، طبقات الشافعیه، مصحح میس خلیل (بی‌جا: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی‌تا) ص ۹۸-۹۹. ابوالمحاسن یوسف الاتابکی ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۴ (القاهره: مطابع کوستا تسوماس، بی‌تا)، ص ۱۴۸. عبدالرحیم جمال‌الدین الاسنوی، طبقات الشافعیه، ج ۱ (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا)، ص ۵۰۸.

۲۷. شمس‌الدین محمد بن احمد الذهبی، تاریخ الاسلام (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷)، ص ۲۱۸.

۲۸. السمعانی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲۹. محمد بن جریر الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۸، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم (القاهره، دار المعارف: ۱۹۷۶م)، ص ۳۷-۳۹.

۳۰. ابوالفرج الاصفهانی، الاغانی، ج ۳ (بیروت: دار احیاء التراث، ۱۹۹۴م)، ص ۱۲۵.

۳۱. الخطیب البغدادی، ج ۱۲، ص ۱۵۵.

۳۲. وی در این مسجد وصیت کرد و از دنیا رفت و به نقل از وی در هنگام مرگش مرگ در این مسجد را از خدا خواسته بود، نک: ابن خلکان، ج ۱، ص ۷۳-۷۲.

۳۳. محمد بن ابی‌یعقوب اسحق ابن الندیم، الفهرست (بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر، ۱۹۷۸م)، ص ۳۸۳؛ القفطی، اخبار

العلماء بأخبار الحکماء (بیروت: دار الآثار للطباعه و النشر و التوزیع، بی‌تا)، ص ۱۸۷.

خوارزمی در علم ریاضی را متعلق به دوره حضور وی در بیت‌الحکمه دانسته‌اند.^{۳۴} در علم نجوم نیز خراسانیان در بغداد پیشرو بودند و احمد بن عبدالله مروزی معروف به حبش الحاسب از مترجمان علوم فلکی در دوره مأمون و معتصم در بیت‌الحکمه به تألیف و ترجمه کتب می‌پرداخت.^{۳۵} در علم نجوم ابن خلف مروودی به دستور مأمون آلات رصد و اسطرلاب ساخت؛^{۳۶} و خالد بن عبدالملک مروودی اولین کسی بود که در جهان اسلام مبادرت به رصد کرد.^{۳۷} همچنین نوّه وی عمر بن محمد بن خالد از مشاهیر دانش رصد به شمار می‌رفت.^{۳۸} از مردمان بلخ ابوالمعشر بلخی (وفات: ۲۷۲ ق) نیز در علم فلک در این زمان تألیفات متعددی را به رشته تحریر درآورد.^{۳۹}

خانه علمای

خانه علمای همواره کارکرد آموزشی داشته است. بسیاری از علما بخشی از خانه که «بیرونی» نامیده می‌شد را به جلسات درسی و پاسخگویی به مراجعات و ملاقات‌های علمی خود اختصاص می‌دادند. به ویژه عالمان سرشناس و معتبر، بسیاری از امور علمی را در خانه خود انجام می‌دادند. عالمان خراسانی مستقر در بغداد علاوه بر کاربرد فوق بخشی از منزل خود را به پذیرایی از عالمان خراسانی کوچیده به بغداد اختصاص دادند. خانه امام احمد بن حنبل از اماکن پرتردد علمای بغداد بود؛ به ویژه خراسانیانی که در طلب دانش فقه و حدیث به بغداد می‌آمدند در منزل وی پذیرایی می‌شدند. از این دست ابوبکر طالقانی (وفات: ۲۴۴ ق) است که چون به بغداد آمد به منزل ابن حنبل رفت و در موضوع احادیث نبوی با وی مذاکره کرد.^{۴۰} خانه ابی عبید قاسم بن سلام (زنده در سال ۲۴۸ ق) را مقرر علما و برگزاری مجالس غریب‌الحديث گفته‌اند. مشهور است طاهر بن عبدالله او را به منزل خود برای سماع غریب‌الحديث دعوت کرد لیکن او در حفظ حرمت حدیث نبوی دعوت وی را رد کرد و طاهر مجبور شد که خود به نزد وی رود.^{۴۱} خانه ابی حفص عمرو بن سلمه نیشابوری از مشایخ

۳۴. حمید مجید هدو، «جهود علماء بیت الحکمة فی حقل الرياضیات»، مجله دراسات تاریخیة، تصدر عن بیت‌الحکمة (السنة الثالثة، ۱۴۲۲ ق) ص ۶۷.

۳۵. ابن الندیم، ص ۳۴۱، ۳۸۴.

۳۶. همان، ص ۳۶۹.

۳۷. مصطفی ابن عبدالله حاجی خلیفه، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۱ (بغداد: مکتبة المثنی، ۱۹۴۱ م)، ص ۹۰۵.

۳۸. ابن الندیم، ص ۳۸۶.

۳۹. القفطی، أخبار العلماء، ص ۱۰۶.

۴۰. ابن الجوزی، مناقب، ص ۱۱۳. الخطیب البغدادی، م، ص ۸۹.

۴۱. عبدالرحمن بن علی ابن الجوزی، صفه الصفوة، ج ۴، تحقیق محمد فاخوری (القاهرة: مطبعة النهضة الجديدة، ۱۹۷۰ م)،

بغداد هم کانون تجمعات علمی و مناظرات و مباحثات در علوم گوناگون بود.^{۴۲}

بازار وراقین

از جمله شاخص‌های نشان‌دهنده رونق علم و دانش در یک منطقه، می‌توان به استنساخ و وراقی اشاره کرد. صحافی در تمدن اسلام صرفاً یک صنعت نگریسته نمی‌شد و بلکه صحافان خود معمولاً عالمانی کتابشناس بودند که به استنساخ، تصحیح و تجلید کتاب نیز می‌پرداختند.^{۴۳} رونق این حرفه در قرون سوم و چهارم قمری در بغداد نشان از رونق بازار علم داشت. یعقوبی تعداد صحافان در یک بازار بغداد را در قرن سوم قمری بیش از صد دکان می‌گوید.^{۴۴} گزارش‌های مورخان گویای آن است که خراسانیان نیز در این حرفه فعال بودند. ابوالحسن وراق نسایی (وفات: ۲۵۱ ق) از محدثان خراسان است که به بغداد آمد و به حرفه وراقی مشغول شد. او هزاران حدیث را در بغداد روایت کرد و در شمار هم‌صحبتان ابن حنبل بود و ابن حنبل در ثنای او سخن گفته است.^{۴۵} احمد بن ابی‌طاهر طیفور (وفات: ۲۸۰ ق) از مردمان خراسان که آموزگار مکتب‌خانه بود و تا درجات عالی آموزش پیشرفت کرد نیز در بازار وراقین در بخش شرقی بغداد می‌نشست و به تصنیف کتب مشهور شد.^{۴۶} حارث بن علی وراق از مردمان خراسان و از رؤسای معتزله در بخش غربی بغداد به کار صحافی می‌پرداخت. او با ابوعلی جبایی با مناظراتی داشته‌است. همچنین در شمار نویسندگان کتب نیز قرار دارد.^{۴۷} فیلسوف محمد بن طرخان فارابی (وفات: ۳۳۹ ق) نیز حرفه وراقی داشت و مدتی در بغداد به این شغل مشغول بود.^{۴۸}

میدان‌های عمومی

علاوه بر اماکن رسمی در سنت آموزشی، میدان‌ها و شوارع و بازارها نیز گهگاه شاهد برپایی مجالس علمی بود. البته این مجالس در محیط‌هایی مشخص منعقد می‌شد و فضاهایی در این اماکن به آموزش اختصاص داشت که به واسطه شهرت غالب اسم اماکن به نام این اماکن خوانده شده‌اند؛ چرا که چندان معقول به نظر نمی‌رسد مجالس علمی را در ازدحام کوچه و بازار برگزار کنند. وجود

۴۲. أبو نعیم أحمد بن عبدالله الأصبهانی، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*، ج ۱۰ (بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۸۰م)، ص ۲۳۰.

۴۳. ابن الندیم، ص ۱۱۵.

۴۴. یعقوبی، ص ۱۳.

۴۵. محمد بن الحسین ابن ابی‌علی، *طبقات الحنابلة*، ج ۱ (القاهرة: مطبعة السنة المحمدیة، ۱۳۷۱ق)، ص ۲۱۰-۲۰۹.

۴۶. یاقوت الحموی، *معجم الادباء*، ج ۳، ص ۸۸-۸۷.

۴۷. احمد بن علی ابن حجر، *لسان المیزان* (بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱م)، ج ۲، ص ۱۵۵-۱۵۴.

۴۸. محمد بن عبدالله بن ابی بکر القضاعی ابن الابار، *الحلة السیراء*، ج ۱، تحقیق حسین مؤنس (القاهرة: دار المعارف، ۱۹۸۵م)،

این مراکز در کنار مراکز رسمی آموزشی نشان از رونق علمی بغداد در این دوره دارد. بازار یحیی از جمله بازارهای بغداد است که گروهی از علمای خراسان در آن مجلس حدیث برپا کردند. ابوالعباس مروزی معروف به طهمانی از خراسانیانی است که به بغداد آمد و از مشاهیری چون احمد بن سیف تغلبی، یعقوب بن جراح، عمر بن محمد بخاری حدیث روایت کرد. از راویان حدیث وی در بغداد محمد بن مخلد و عبدالباقی بن قانع و ابوسعید الاعرابی از او در این بازار روایت می‌کنند. طهمانی نیز وی را از جمله محدثان ثقات می‌آورد.^{۴۹} ابوعلی ترمذی حسین بن محمد نیز در سال ۳۲۱ قمری به قصد حج وارد بغداد شد. وی در سوق یحیی سکونت کرد و از شیوخ خود در این بازار روایت کرده‌است.^{۵۰} ابوحاتم تمیمی نیشابوری نیز به سال ۳۰۳ هجری قمری در این بازار از مشایخش حدیث روایت کرده‌است.^{۵۱} نیز ابوحامد الباوردی به قصد حج به سوق بغداد وارد شد و از امام خراسان محمد بن عبدالرحمن دغولی از اهالی سرخس در این بازار حدیث روایت کرده‌است.^{۵۲} محمد بن یوسف بن نوح بلخی نیز از محدثان خراسان بود و مجلس علمی در این بازار برپا کرد.^{۵۳}

از بازارهای دیگر بغداد که علمای خراسان در آن تکاپوهای علمی داشتند می‌توان به بازار عطش اشاره کرد. ابوعمران موسی بن محمد در این بازار مجلس روایت حدیث داشت. ابوالقاسم بن ثلاث از شاگردان وی نیز در این بازار شیوه استاد را پی گرفت.^{۵۴} اما از علمای خراسان که در گذرگاههای بغداد به آموزش حدیث پرداخت، ابوبکر فاریابی است که چون وارد بغداد شد هزاران نفر از طالبان علم در گذرگاه منار در دروازه کوفه بغداد گردش را گرفتند و از او استماع حدیث کردند.^{۵۵} نیز سهیل بن ابراهیم مروزی که چون به بغداد آمد در محله مفضل به روایت حدیث پرداخت.^{۵۶}

مجالس علمی

مقصود از مجالس یا محافل علمی تجمعاتی است که به منظور تعلیم و تعلم در بغداد منعقد می‌شده

۴۹. الخطیب البغدادی، ج ۱۱، ص ۱۷۰؛ شمس‌الدین محمد بن احمد الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، تحقیق محب‌الدین ابی سعید عمر بن غرامه العمری (بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۷م)، ص ۹۸-۹۷.

۵۰. الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۹۸-۹۷.

۵۱. الخطیب البغدادی، ج ۸، ص ۹۶.

۵۲. همان، ج ۸، ص ۹۶.

۵۳. همان، ج ۳، ص ۴۰۶.

۵۴. همان، ج ۳، ص ۶۱.

۵۵. همان، ج ۷، ص ۲۰۲-۲۰۱.

۵۶. همان، ج ۹، ص ۲۲۳-۲۲۲.

است. این محافل شامل مجالس مناظره، مجالس املاء و مجالس مذاکره است. انعقاد این مجالس توسط خراسانیان و میزان اعتبار و استقبال از این مجالس از ابزارهای دیگر برای سنجش تفوق علمی خراسانیان در این عصر است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

مجالس مناظره

فقیه حکم بن عبدالله بن مسلمه بلخی (وفات: ۱۹۹ ق) قاضی بلخ و از عالمان بنام خراسان، به بغداد آمد و در مساجد بغداد با فقیه قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم به مناظره و بحث پرداخت.^{۵۷} امام شافعی (وفات: ۲۰۴ ق) نیز با ابی‌عبید قاسم بن سلام در مسائل فقهی به مناظره می‌پرداخت.^{۵۸} اسحاق بن راهویه محدث نیز بعد از مناظراتی با شافعی از اصحاب وی گردید و تمام کتب و مصنفات شافعی را استنساخ کرد.^{۵۹} محدث قتیبه بن سعید بلخی بغلانی از ثقات بغداد نیز مجالس مناظره زیادی با بزرگان بغداد به مانند ابن حنبل و امام محمد بن ادریس ابی‌حاتم رازی (م ۲۷۷ ق) داشت که گهگاه تا پگاه خورشید ادامه می‌یافت.^{۶۰} از صوفیان ایران که در بلخ اقامت داشت و به بغداد آمد ابی‌زکریا یحیی بن معاذ رازی (وفات: ۲۵۸ ق) است. منابع اذعان دارند که مشایخ صوفیه و زهاد بغداد نزد وی می‌آمدند و از وی پرسش و استفسار می‌کردند.^{۶۱} ابی‌حمزه خراسانی (وفات: ۳۰۹ ق) از صوفیان خراسان مقیم بغداد، که منابع دانش فقه وی را ستوده‌اند، محل مشورت ابن حنبل در امور فقهی و دینی بوده است.^{۶۲}

در مناظرات معتزلیان در بغداد علمای خراسان نقشی فعال داشتند. ابی‌قاسم عبدالله کعبی خراسانی و رئیس طایفه معتزلیان کعبی بغداد بود که مناظرات خود را در کتابی به نام مقالات ابی‌القاسم جمع‌آوری کرد. اثری که وسعت دانش وی در کلام و فقه و ادب در آن نمایان است. کعبی از مکانت و اعتبار بالایی در میان متکلمان مکتب بغداد در عصر خود برخوردار بود.^{۶۳} ابن حنبل

۵۷. تقی‌الدین عبدالقادر التمیمی الغزی، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، ج ۳، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو (الریاض: دار الرفاعی للنشر و الطباعة، ۱۴۰۴ق)، ص ۱۷۸.

۵۸. السبکی، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۵۹. احمد بن الحسن ابن قنفذ، الوفيات، تحقیق و نشر باعتن (بیروت: منشورات المکتب التجاری للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۷۱م)، ص ۱۷۳.

۶۰. الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۲۳.

۶۱. محمد بن احمد الذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۱، تحقیق ابوہاجر محمد السعید بسیونی زغلول (بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا)، ص ۳۷۱.

۶۲. محمد بن الحسین أبو عبدالرحمن السلمی، طبقات الصوفیة، تحقیق نورالدین شریبة (مصر: مطبعة دار التألیف، ۱۳۸۹ق)، ص ۳۲۶.

۶۳. ابوالقاسم عبدالله بن احمد البلخی، فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، تحقیق فؤاد سید (تونس: دار التونسیه للنشر، ۱۹۷۴م)، ص ۴۳.

و اباضت هروی نیز از محدثان و فقهای پرنفوذ خراسانی در بغداد بودند که در مسئله خلق قرآن با مأمون مناظره کردند و نظر معتزله دربارهٔ خلق قرآن را رد کرده و از این بابت دچار محنت شدند.^{۶۴}

مجالس املاء

بیشتر مجالس املاء حدیث در مساجد و جوامع بغداد برگزار می‌شد این بدان دلیل بود که میان علوم و معارف اسلامی، حدیث جایگاه برتر داشت. کثرت علمای حدیث و استقبال از این مجالس، مسجد را که مقدس‌ترین مکان دینی مسلمانان بود به کانون فعالیت محدثان تبدیل کرد. مجالس املاء به واسطهٔ اهمیت آن از آداب خاصی برخوردار بود تا در ضبط حدیث نبوی سهو راه پیدا نکند. در این دوره معتبرترین مجالس املاء در بغداد در اختیار علمای خراسان بود، و از این مجالس استقبال گسترده می‌شد. عبدالله بن محمد بن زیاد نیشابوری (م ۳۲۴ق) از جمله فقها و محدثان ثقه بود که به بغداد آمد و تا پایان عمر در آن سکنی گزید، و امام شافعیان عصر خود شد. مجالس املاء او در بغداد از شهرت و اعتبار بالایی برخوردار بود. به نقلی در حدود ده تا سی هزار عالم و چندین مستملی در درس وی اجتماع می‌کردند. نیز ابوالحسن دارقطنی (وفات: ۳۸۵ ق) فقیه شافعی و امام عصر خود گوید در میان مشایخ خود در حفظ اسناد و متن حدیث به مانند وی را ندیدم.^{۶۵} عبدالله بن بطه (وفات: ۳۸۷ ق) از علمای بنام شافعی نیز گوید: «ما در مجلس ابوبکر نیشابوری حاضر می‌شدیم تا از او زیادات را سماع کنیم. مجلس او سی هزار قلمدان برای نگارش حدیث می‌نهادند.»^{۶۶} ابوجعفر محمد بن عبدالله نیشابوری از خراسان به بغداد آمد و تا پایان عمر در آن سکنی گزید و در این شهر به سال ۳۳۳ قمری مجلس املاء حدیث برپا کرد.^{۶۷} مجلس حدیث ابوعلی حسن بن عیسی محدث (وفات: ۲۳۹ ق) در محلهٔ طاق برگزار می‌شد و بالغ بر دوازده هزار عالم و طلبه از او استماع می‌کردند. در مجلس وی بزرگان علمای بغداد چون خلیفه بن خیاط (نویسنده کتاب *التاریخ والطبقات*) شرکت می‌کردند.^{۶۸} امام بخاری نیز در بغداد مجلس املائی داشته که بیست هزار نفر از او استماع حدیث می‌کردند. وی در بغداد سه مستملی مخصوص کتابت حدیث داشته است.^{۶۹}

۶۴. ابن الجوزی، مناقب، ص ۳۱۱-۳۱۰.

۶۵. الخطیب البغدادی، ج ۱۰، ص ۱۲۱.

۶۶. ابن الجوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۶۵-۱۶۴.

۶۷. القفطی، انباه الرواة، ج ۳، ص ۱۶۴.

۶۸. ابن الجوزی، المنتظم، ج ۶، ص ۴۸۱-۴۸۰؛ ابن العماد الحنبلی، ج ۲، ص ۹۴.

۶۹. الخطیب البغدادی، ج ۲، ص ۲۰.

ابوبکر فریابی مجالس املاء خود را در خیابان منار در محله باب کوفه برپا می‌کرد و هزاران مستمع در مجلس وی حضور می‌یافتند. منابع از ده‌هزار مستمعی که حدیث وی را می‌نگاشتند سخن می‌گویند.^{۷۰} اسحاق بن راهویه از دیگر محدثان خراسانی است که بارها به بغداد آمد. او در اولین سفر خود به سال ۱۸۲ هجری قمری در حالی که فقط بیست و سه سال داشت به بغداد آمد و برای وی مجلس املاء در رصافه بغداد گذاشتند. در این مجلس، مشایخ اهل سنت چون ابن حنبل و یحیی بن معین شرکت داشتند. ابوداود گوید: «ابن راهویه یازده هزار حدیث بر ما از حفظ املاء کرد. سپس برای ما آن احادیث را قرائت کرد در حالی که حرفی از آن کم و زیاد نشد. و من از او شنیدم که می‌گفت گویی صد هزار حدیث در کتاب‌هایم در روبروی دیدگانم هستند.»^{۷۱}

ابوعلی نیشابوری (م ۳۳۹ق) از دیگر محدثانی بود که در منابع او را یگانه عصر خود در حفظ و اتقان و ورع و سفر آورده‌اند.^{۷۲} او در بغداد مجلس املاء برپا کرد که بزرگان حدیث در آن شرکت کردند. از او نقل است که «در مجلسی در بغداد با ابی‌احمد عسال و ابراهیم بن حمزه و ابی‌طالب بن نصر و ابوبکر جعابی گرد آمدیم و ایشان درخواست کردند که حدیث نیشابور بر ما املاء کن که من امتناع کردم. با اصرار ایشان من سی حدیث بر ایشان املاء کردم که جز حمزه که یک حدیث از آن سی حدیث را می‌دانست دیگران از آن احادیث خبر نداشتند.»^{۷۳} محدث احمد بن محمد حیری نیشابوری (وفات: ۳۵۳ق) نیز از محدثانی بود که به بغداد آمد و خلق عظیمی بر گرد او جمع شدند و مجالس املاء و قرائت برپا کرد.^{۷۴} قاضی یحیی بن اکثم مروزی (وفات: ۲۴۲ق) نیز از جمله افرادی بود که از جایگاه والایی نزد مأمون برخوردار بودند و در حضور مأمون مجالس املاء حدیث و مباحثه فقهی برپا می‌کرد.^{۷۵}

مجالس مذاکره (بحث علمی)

یکی از شیوه‌های تعامل علمی در نهاد آموزش جهان اسلام، برگزاری مجالس مذاکره است که به ویژه در دانش حدیث بین حافظان حدیث رایج بود. چون عالمی به بغداد وارد می‌شد عالمان با او

۷۰. الخطیب البغدادی، ج ۷، ص ۲۰۲؛ السمعانی، ج ۳، ص ۴۵۲؛ ابن الجوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۴۴۲.

۷۱. ابن خلکان، ج ۱، ص ۱۹۹.

۷۲. السبکی، ج ۳، ص ۲۷۷.

۷۳. ابن تغری بردی، ج ۳، ص ۳۲۴.

۷۴. عثمان بن عبدالرحمن الشهرزوری ابن الصلاح، طبقات الفقهاء الشافعیة و ملحق به ذیل الطبقات الشافعیة، ج ۱، تحقیق

محمی‌الدین علی نجیب (بیروت: دار البشائر الاسلامیه، ۱۹۹۲م)، ص ۳۸۲.

۷۵. ابوالفضل احمد المروزی طیفور، کتاب بغداد (بیروت: دارالجنان، ۱۹۸۰م)، ص ۴۵.

به مذاکره می‌نشستند. محمد بن اسحاق اللؤلؤی سهمی، از ادبای بلخ، با حفاظ بغداد در سال ۲۲۲ هجری قمری به مذاکره نشست و احادیث مالک بن انس و بسیاری دیگر از محدثان را روایت کرد.^{۷۶} ابوبکر سعید بن یعقوب طالقانی (وفات: ۲۴۴ ق) از محدثان و ثقات خراسان به بغداد نزد احمد بن حنبل آمد تا در دانش حدیث با وی مذاکره کند.^{۷۷} محدث دیگر احمد بن سعید رباطی مروزی ساکن نیشابور در ایام ابن حنبل به بغداد آمد و مجالس مناظره با عالمان بغدادی داشت که بغدادی از او با تعابیر ثقه، فهیم، عالم و فاضل یاد کرده است.^{۷۸} سلیمان بن معبد سنجی مروزی محدث و نحوی خراسانی نیز به بغداد آمد و با یحیی بن معین به مذاکره پرداخت و در این مجالس تعدادی زیادی از علما چون ابراهیم بن عبدالله بن جنید شرکت می‌کردند.^{۷۹} دارقطنی پیشوای شافعیان عصر خود در بغداد درباره مجلس مذاکره ابوبکر نیشابوری رویدادی را روایت کرده است^{۸۰} که نشان از دانش گسترده خراسانیان در حدیث و مرجعیت ایشان در بغداد دارد، شهری که مستقر علمی عصر طلایی تمدن اسلامی بود. اسحاق بن راهویه (وفات: ۲۳۸ ق)^{۸۱} و حسین بن یزید نیشابوری (وفات: ۳۴۹ ق)^{۸۲} نیز هر یک در بغداد مجالس مذاکره داشتند.

نتیجه‌گیری

جهان اسلام در سده‌های سوم و چهارم قمری، جریانی شتابنده را در تکوین علوم آغاز کرد؛ جریانی که به دوره زرین فرهنگ و تمدن اسلامی انجامید. همگان بر این امر آگاه و معترفند که در آن

۷۶. الخطیب البغدادی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۷۷. همان، ج ۹، ص ۸۹.

۷۸. همان، ج ۴، ص ۱۶۶.

۷۹. احمد بن علی ابن حجر، تهذیب/تهذیب، ج ۴ (حیدرآباد الدکن: مطبعه مجلس دوائر المعارف النظامیه، ۱۳۲۵ ق/۱۹۶۸ م)،

ص ۲۱۹.

۸۰. دارقطنی آورده است که «ما در بغداد با جماعتی از حافظان حدیث نبوی در حال مذاکره بودیم که فقیهی وارد شد و از مجلسیان پرسید: حدیث 'خداوند زمین را مسجد من قرار داد و خاکش را برای ما پاک گردانید' را چه کسی از پیامبر روایت کرده است. مجلسیان گفتند: فلانی و فلانی. فقیه پرسشگر بار دیگر پرسید: من فقط راوی لفظ 'و خاکش را' می‌خواهم. کسی از مجلسیان قادر به پاسخگویی نبود. مجلسیان گفتند: تنها کسی را که امید داریم در این شهر پاسخ آن را بداند ابوبکر نیشابوری است. پس همگی برخاستند و همگی نزد ابوبکر نیشابوری رفتند و از راوی این لفظ سؤال کردند. پس او گفت: بله راوی این حدیث فلانی از فلانی و تا راوی اصلی از حفظ نام برد.» نک: ابراهیم بن علی الشیرازی، طبقات الفقهاء، تحقیق احسان عباس (بیروت: دار الرائد العربی، بی‌تا)، ص ۱۱۳؛ السبکی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۸۱. عبدالرحمن بن محمد العلمی، المنهج الأحمدي فی تراجم اصحاب الامام احمد، ج ۱، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید

(مصر: مطبعه المدنی، المؤسسة السعودیه، ۱۹۶۳-۱۹۶۵ م)، ص ۱۰۸.

۸۲. السبکی، ج ۳، ص ۲۷۷-۲۷۸.

جریان علمی، ایرانیان و به‌ویژه عالمان خراسانی نقش به‌سزایی داشتند. حضور خراسانیان به‌ویژه در مراکز و محافل علمی پایتخت جهان اسلام، بغداد بیش از دیگر گروه‌ها بود. در رنسانس علمی قرون سوم و چهارم قمری، بغداد با انگیزه‌های گوناگون، حاصل زمینه‌ها و بستریهای مناسب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مناسبات با شرق ایران و از آن میان با خراسان بود. این مشارکت در سطح گسترده‌ای در مراکز و محافل علمی بغداد جریان داشت. گزارش‌های منابع از کم و کیف این مشارکت حکایت از سطح بالای اعتبار علمی و مقبولیت و مشروعیت خراسانیان در مجامع علمی بغداد دارد. استقبال جریان‌های علمی از علمای خراسان در مراکز و محافل علمی بغداد به اندازه‌ای بوده‌است که عالمان خراسانی چون ابن حنبل، بخاری، مسلم، ابوبکر نیشابوری، اسحاق بن راهویه و ... در دوره مذکور توانستند به عنوان بنیان و امامان مذاهب اسلامی مورد پذیرش جهان اسلام قرار گیرند و جریان‌های فکری بغداد را در این قرون هدایت کنند.

کتابنامه

- ابن ابی یعلی، محمد بن الحسین. *طبقات الحنابلة*. القاهرة: مطبعة السنة المحمدية، ۱۳۷۱ق.
- ابن الابار، محمد بن عبدالله بن ابی بکر القضاعی. *الحنابلة السیراء*. تحقیق حسین مؤنس. القاهرة: دار المعارف، ۱۹۸۵م.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی. *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. تحقیق و تقدیم سهیل زکار. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۵م.
- _____ *صفه الصفوه*. تحقیق محمد فاخوری. القاهرة: مطبعة النهضة الجديدة، ۱۹۷۰م.
- _____ *مناقب الامام أحمد بن حنبل*. بیروت: دار الجیل جدید، ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۳م.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن الشهرزی. *طبقات الفقهاء الشافعية و ملحق به ذیل طبقات الشافعية*. تحقیق محی‌الدین علی نجیب. بیروت: دار البشائر الاسلامیه، ۱۹۹۲م.
- ابن العماد الحنبلی، عبدالحی بن احمد. *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*. بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابن الفقیه، احمد بن محمد. *مختصر کتاب البلدان*. لیدن: مطبعة بریل، ۱۳۰۲ق.
- ابن الندیم، محمد بن ابی یعقوب اسحق. *الفهرست*. بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، ۱۹۷۸م.
- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف الاتابکی. *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*. القاهرة: مطابع کوستا تسوماس، بی‌تا.
- ابن حجر، احمد بن علی. *تهذیب التهذیب*. حیدرآباد الدک: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۲۵ق / ۱۹۶۸م.
- _____ *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱م.
- ابن خلکان، احمد بن ابی بکر. *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار صادر،

١٩٧٧م.

ابن سعد، محمد. *الطبقات الكبرى*. تحقيق رياض عبدالله عبدالهادي. بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٩٩٥م.
ابن عساکر، علي بن الحسن. *تهذيب تاريخ دمشق الكبير*. تحقيق عبدالقادر بدران. بيروت: دار الميسرة، ١٣٩٩ق.
ابن قنفذ، احمد بن الحسن. *الوفيات*. تحقيق و نشر باعتن بيروت: منشورات المكتب التجاري للطباعة و النشر و التوزيع، ١٩٧١م.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر القرشي. *البدایة و النهایة*. بيروت: مكتبة المعارف، ١٤٠٨ق.
ابو عبدالله محمد بن مفلح مقدسی الحنبلي. *الأداب الشرعية و المنح المرعية*. بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٧٢م.

ابوعثمان عمرو بن بحر الجاحظ. *رسائل الجاحظ*. مصر: مطبعة التقدم، ١٣٢٤ق.
الاسنوي، جمال الدين عبدالرحيم. *طبقات الشافعية*. بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
الاصبهاني، أبو نعیم أحمد بن عبدالله. *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*. بيروت: دار الكتاب العربي، ١٩٨٠م.
الاصفهاني، ابوالفرج. *الاغانی*. بيروت: دار احياء التراث، ١٩٩٤م.
اكبرى، امير. *تاريخ حكومت طاهريان از آغاز تا انجام*. تهران: سمت، ١٣٨٤.
البلخي، ابوالقاسم عبدالله بن احمد. *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة*. تحقيق فؤاد سيد. تونس: الدار التونسية للنشر، ١٩٧٤م.

ابوبكر بن هدايه الله، طبقات الشافعية، مصحح ميس خليل (بی جا: مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، بی تا).
حاجي خليفه، مصطفى بن عبدالله. *كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون*. بغداد: مكتبة المثنى، ١٩٤١م.
حميد مجيد هـدو. «جهود علماء بيت الحكمة في حقل الرياضيات»، *مجلة دراسات تاريخية*، بغداد: بيت الحكمة، ١٤٢٢ق. السنة الثالثة.

الخطيب البغدادي. *تاريخ بغداد*. تصحيح سعيد العرفي. بيروت: دار الكتاب العربي، بی تا.
الذهبي، شمس الدين محمد بن احمد. *العبر في خبر من غير*. تحقيق أبوهاجر محمد السعيد بسيوني زغلول. بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.

_____ *تاريخ الاسلام*. بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧.

_____ *تذكرة الحفاظ*. بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٩٥٨م.

_____ *سير أعلام النبلاء*. تحقيق محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامه العمري. بيروت: دار الفكر، ١٩٩٧م.
السبكي. *طبقات الشافعية الكبرى*. تحقيق محمد الحلو و آخرون. بيروت: دار احياء الكتب العربية، بی تا.
السلمي، محمد بن الحسين أبو عبدالرحمن. *طبقات الصوفية*. تحقيق نورالدين شريفة. مصر: مطبعة دار التأليف، ١٣٨٩ق.

السمعاني، عبدالكريم. *الأنساب*. تقديم محمد احمد حلاق. بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٩٩٩م.
الشيرازي، ابراهيم بن علي. *طبقات الفقهاء*. تحقيق احسان عباس. بيروت: دار الرائد العربي، بی تا.
الطبري، محمد بن جرير. *تاريخ الرسل و الملوك*. تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم. القاهرة: دار المعارف، ١٩٧٤م.

- طیفور، ابوالفضل احمد المروزی. کتاب بغداد. بیروت: دار الجنان، ۱۹۸۰م.
- العلمی، عبدالرحمن بن محمد. المنهج الأحمد فی تراجم أصحاب الامام أحمد. تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید. مصر: مطبعه المدنی، المؤسسة السعودیه، ۱۹۶۳-۱۹۶۵م.
- الغزی، تقی‌الدین بن عبدالقادر التیمی. الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة. تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو. الرياض: دار الرفاعی للنشر و الطباعة، ۱۴۰۳ق.
- الققطی. إخبار العلماء بأخبار الحكماء. بیروت: دار الآثار للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
- _____ إنباه الرواة علی أنباه النحاة. تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم. القاهرة: مطبعة دار الکتب المصریة، ۱۹۵۵م.
- المزی، یوسف. تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال. تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۸ق.
- المقدسی، محمد بن احمد البشاری. أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. لیدن: مطبعة بریل، ۱۹۰۶م.
- ناجی، محمدرضا. تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان. تهران: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، ۱۳۷۸.
- یاقوت الحموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. معجم الادباء. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- _____ معجم البلدان. تهران: مکتبه الأسدی، ۱۸۶۶-۱۸۷۰م.
- یعقوبی، ابن واضح. البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی